

تحلیل تماتیک توسعه اجتماعی زنان با تأکید بر توانمندسازی پایدار

محمد رضا حسینی^۱

چکیده

نقش و جایگاه زنان در فرآیند توسعه هر جامعه، موضوع انکارناپذیری است که در راستای دستیابی به آن در قدم اول باید هر جامعه سیاست‌ها و برنامه‌هایی در سطوح تئوریک و اجرایی به منظور توانمندسازی زنان داشته باشد؛ چرا که زنان هنگامی می‌توانند در توسعه جامعه مؤثر باشند که توانمند باشند. بر همین اساس تحقیق حاضر با تحلیل توسعه اجتماعی زنان بر مبنای توانمندسازی پایدار آنان، به روش کیفی انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه زنان بالای ۲۰ سال شهرستان بروجرد، نمونه‌گیری هدفمند به تعداد ۲۴ نفر تا زمان اشباع نظری، روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل تماتیک بوده است که بدین منظور از نرم‌افزار NVivo استفاده شده است. همچنین دستیابی به اعتبار تحقیق از طریق روش اعتبار عضو، و پایایی از طریق حسابرسی فرآیند تحقیق توسط صاحب‌نظران حاصل شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، توسعه اجتماعی زنان مستلزم مهیا نمودن زیرساخت‌های نظری و عملی توسعه عدالت‌محور و «توانمندسازی پایدار» آنان است بدین معنا که توانمندسازی زنان هم غیرمقطعی و تداومی باشد و هم در همه ابعاد صورت پذیرد که این ابعاد عبارتند از: ۱) توانمندی جسمی، ۲) توانمندی روانی، ۳) توانمندی اقتصادی، ۴) توانمندی اجتماعی، ۵) توانمندی سیاسی، ۶) توانمندی فرهنگی و ۷) توانمندی حقوقی. در نتیجه اگر خواهان توسعه جامعه هستیم، باید با توانمندسازی پایدار زنان به عنوان نیمی از شهروندان جامعه، شرایط توسعه اجتماعی آنان را فراهم سازیم.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، توسعه اجتماعی، پژوهش کیفی، تحلیل تماتیک.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (Email: m.hosseini@abru.ac.ir)

مقدمه

در هر کشوری نیروی انسانی کارآمد نقش مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. (قویدل و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۰۴) در راستای دستیابی به این هدف، امروزه توانمندسازی شهروندان بی‌گمان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود. در کشورهای مختلف بخش عظیمی از تحقیقات و منابع مصروف این حقیقت می‌شود که شهروند مطلوب برای جامعه باید دارای چه خصوصیتی باشد و چگونه می‌توان این صفات و ویژگی‌ها را در اقشار مختلف جامعه توسعه داد. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱: ۵۸) متأسفانه در کشور ایران علی‌رغم تلاش‌های فراوان در این زمینه و به ویژه در زمینه توانمندسازی زنان، به توانمندسازی شهروندان توجه درخور و مناسب صورت نگرفته است، از این رو درصد قابل توجهی از شهروندان بینش و بصیرت عمیق، دانش و معرفت مورد نیاز و توانایی و مهارت لازم برای مشارکت در امور جامعه و نیز تأثیرگذاری در توسعه را دارا نمی‌باشند. (قلی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۰) در حالی که در عصر حاضر، با مطرح شدن مفهوم عاملیت انسانی در نظریات توسعه، یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور، وضعیت زنان و سطح توانمندسازی این قشر است. (قدسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰)

تنها در یک آمار ارائه شده از سوی فاطمه عباسی، مدیر کل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی آمده است که «در حال حاضر ۲۵۰ هزار خانوار زن سرپرست که شامل چهار گروه زنان دارای همسر متوفی، زنان مطلقه، زنان دارای همسر از کار افتاده و دختران مجرد و زنان خودسرپرستی هستند که اغلب یا همسران‌شان مفقود شده و یا در زندان به سر می‌برند. این ۲۵۰ هزار زن با بعد خانوارشان شامل ۵۸۲ هزار نفر می‌شوند.» (برنا، ۱۳۹۹) البته این آمار تنها در خصوص زنان سرپرست خانوار ارائه شده است که در درجه اول توانمندسازی اقتصادی را به ذهن متبادر می‌سازد در حالی که اگر تمامی زنان یک جامعه را به عنوان نیمی از آن متصور شویم آنگاه توانمندسازی زنان در حقیقت به این معنی است که آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند؛ کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد؛ قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند؛ به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند؛ قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند؛ از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند؛ از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های مورد نظر دست یابند. (فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶؛ به نقل از کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵) براساس تعریف رسمی ارائه شده توسط سازمان ملل متحد نیز، «توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنها بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، از جمله مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری و دسترسی به قدرت» به عنوان یکی از شالوده‌های اصلی «دستیابی به برابری، توسعه و صلح» محسوب می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۰) زنان، نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند که مشارکت و فعالیت آنان، از کلیدهای مهم پیشرفت و توسعه جوامع بشری است. توانمندسازی، یک فرآیند فعال و چندبعدی است که زنان را قادر می‌سازد تا هویت و قدرت خود را در تمامی حوزه‌های زندگی به رسمیت بشناسند. این مشارکت، زوایا و جوانب پنهان و آشکار بسیاری دارد که پرداختن به هر گوشه آن می‌تواند پنجره‌ای باز به روی پیشرفتی شگرف باشد. مهم‌تر آنکه، زمینه‌سازی این مشارکت نیازمند تغییرات بنیادی و گاه فرهنگی عمیق در جامعه، قوانین و حکومت‌ها و حتی در محیط بین‌الملل است تا با رفع موانع و محدودیت‌ها، شاهد شکوفایی توانایی‌های آنان و مشارکت بیشتر در توسعه و سطوح مختلف اجتماعی باشیم. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف سنخ‌شناسی ابعاد توانمندسازی زنان انجام گرفته است تا به این سؤالات پاسخ دهیم که ۱) توانمندسازی زنان در راستای توسعه اجتماعی شامل چه مؤلفه‌ها و ابعادی است؟ و ۲) چگونه توانمندسازی پایدار زنان بر توسعه اجتماعی مؤثر واقع می‌شود؟

پیشینه پژوهش

از آنجایی که پژوهش‌های بسیاری در زمینه توانمندسازی زنان در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است به ذکر برخی از پژوهش‌های چند سال اخیر بسنده می‌کنیم. در میان پژوهش‌های داخلی؛ آیت و اعظمیان (۱۳۹۰) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که فناوری اطلاعات به دلیل تعدد نقش‌هایی که در رویکرد توسعه دارد و با ایجاد شبکه گسترده‌ای که به ایفای این نقش‌ها می‌پردازد،

می‌تواند سبب توانمندسازی و تأثیرگذاری آگاهانه بر زنان گردد. کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که حمایت اجتماعی (با ابعاد حمایت عاطفی، حمایت خودارزشمندی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه‌های اجتماعی) بر توانمندسازی روانشناختی، اقتصادی، جسمی و توانمندسازی کلی تأثیر داشته است. برقی و قنبری (۱۳۹۲) در پژوهشی پیمایشی به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی همکاری در فعالیتهای اقتصادی، پیوندهای خانوادگی، و آگاهی اجتماعی می‌باشند. نجفی کانی و وصال (۱۳۹۴) در پژوهشی پیمایشی به این نتیجه رسیدند که مدیران محلی با ایجاد فرصتهای شغلی مناسب، افزایش درآمد، تقویت تعاونی‌ها و تشکلهای زنان و همچنین توجه به مهارت‌های زنان روستایی بر توانمندسازی آنان مؤثرند. صیده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که متغیرهای موانع شغلی، ویژگی‌های روانشناختی، وضعیت اقتصادی، عوامل آموزشی، حمایت خانواده، سطح تحصیلات، نوع فعالیت اقتصادی و موقعیت اجتماعی بر توانمندی شغلی زنان روستایی مؤثرند. کیایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که رسانه‌های نوشتاری چاپی بیشترین تأثیرگذاری را بر دو بعد توانمندسازی اجتماعی، یعنی آگاهی و اعتماد زنان داشته است. خوبی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی پیمایشی نشان دادند حمایت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر توانمندی زنان سرپرست خانوار داشته است. متغیرهای سلامت جسمانی و سرمایه فرهنگی نیز به ترتیب در رتبه‌های بعدی تأثیرگذاری قرار داشته‌اند.

در میان پژوهش‌های خارجی نیز؛ بادن^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «اقدام جمعی زنان در بازارهای کشاورزی آفریقای: از محدوده عمل توسعه در حال حاضر برای توانمندسازی زنان روستایی» به این نتیجه رسیده است که با وجود اینکه زنان طیف گسترده‌ای از بازیگران توسعه می‌باشند، اما از محدودیت‌ها و نابرابری‌های زیادی در مشارکت برخوردارند، که منجر به نتایج متفاوت و نابرابری برای زنان می‌شود. مشارکت زنان باعث توانمندسازی آنها می‌شود و تفاوت انگیزه برای مشارکت در بین زنان و مردان متفاوت است. الشیک و الامن^۲ (۲۰۱۳) به تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی پرداختند و نشان دادند که توانمندسازی این افراد به طور قابل توجهی تحت تأثیر دسترسی به خدمات مالی و دسترسی به فرصت‌های تولید و آموزش و پرورش دارد. از نظر آنها سیاست‌هایی که به بهبود توانمندسازی اقتصادی زنان کمک می‌کند عبارتند از افزایش دسترسی به منابع، ارائه آموزش و استفاده و ترویج قابلیت‌های آنان در توسعه اقتصادی است. فرخ و اختر^۳ (۲۰۱۴) پژوهشی پیمایشی تحت عنوان «ادراک زنان تحصیل کرده نسبت به نقش رسانه» با هدف ارزیابی نقش رسانه و بهبود نقش و سنجه‌های آن به منظور توانمندسازی زنان پاکستانی انجام داده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که رابطه مثبتی بین استفاده از رسانه و برقراری ارتباط مثبت با دیگران و نقش مؤثر رسانه‌ها در توانمندسازی زنان دارد. روث ایخوف و همکاران^۴ (۲۰۱۴) پژوهشی تحت عنوان «زنان فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند: معرفی کارآفرینی زنان در رسانه» انجام داده است که در نتیجه آن نشان می‌دهد که نگاه رسانه‌ها به فعالیت زنان نگاهی سنتی است و حتی فعالیت‌های سنتی آنان را تشویق و ترغیب می‌کند و چنین نگاهی به رویکرد جامعه به کارآفرینی زنان تأثیر می‌گذارد. نارایانا و احمد^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «نقش رسانه در تسریع توانمندسازی زنان» به این نتیجه دست یافتند که رسانه‌ها ابزاری کاربردی برای انتشار افکار مثبت هستند که به منظور نقش زنان در جامعه مدرن، نقش آنان در پیشرفت اقتصاد و انتقال ایده‌های خوب به زنان جوان در توانمندسازی اقتصادی آنان عمل می‌کنند. همچنین نقش مهمی در ایجاد کمپین رفع تبعیض علیه زنان دارند. شارانگا و همکاران^۶ (۲۰۱۶) در تحقیقی تحت عنوان «اثر توانمندسازی زنان در امنیت غذایی خانواده در مناطق روستایی استان کوازولو-ناتال» به این نتیجه رسیدند که امنیت غذایی در خانواده‌های روستایی بسیار مهم است. امنیت غذایی در خانواده‌هایی که سرپرستی آن‌ها بر عهده زنان می‌باشد بهتر است. زنان سرپرست خانوار از سطوح بالاتری از اقتصاد، توانمندسازی سرمایه فیزیکی،

¹ Baden

² Elsheikh & Elamin

³ Farrukh & Akhtar

⁴ Ruth Eikhof et al.

⁵ Narayana & Ahmad

⁶ Sharaunga et al.

روانی و مهارت‌های مدیریتی برخوردارند. همان طور که از مرور برخی پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع بر می‌آید، این پژوهش‌ها عموماً با استفاده از روش کمی و پیمایشی انجام شده و تنها بر ابعاد خاصی از توانمندسازی یا قشر خاصی از زنان مانند زنان روستایی، زنان سرپرست خانوار و... متمرکز هستند. در حالی که در تحقیق حاضر به دنبال واکاوی کیفی همه ابعاد توانمندسازی زنان در راستای توسعه اجتماعی آنان بوده‌ایم.

ملاحظات نظری

در یک رویکرد کلی‌نگر توانمندسازی^۱، عبارت است از قدرت بخشیدن به افراد، بدین معنی که به آنان کمک شود تا حس اعتماد به نفس را در خود تقویت و بر ناتوانی‌ها یا درماندگی‌های خود غلبه نمایند. (گلزاری و میردامادی، ۱۳۹۲: ۵۰) در این راستا، توانمندسازی اقتصادی فرآیندی است از پایین به بالا که طی آن، فقرا با افزایش قابلیت‌های اقتصادی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ داده و به حقوق و قدرت برابر دست یابند. (Drolet, 2010: 3) صاحب‌نظران موضوع توانمندسازی را از سه زاویه ارتباطی، انگیزشی و شناختی بررسی نموده‌اند. رویکرد ارتباطی یک فرآیند بالا به پایین است و قدرت فرد را در ارتباط با دیگران نشان می‌دهد. (Spritzer, 1996: 490) براساس این دیدگاه، توانمندسازی فرآیندی است که از طریق آن یک رهبر یا مدیر سعی در تقسیم قدرت خود در بین زیردستانش دارد. (Conger & Kannungo, 1998: 476) رویکرد انگیزشی بر مبنای تئوری انگیزش مک-کلند شکل گرفته است. (McClland, 1975) در حقیقت مک‌کلند نیاز به موفقیت را اساسی‌ترین نیاز دانسته و مشارکت در موفقیت‌طلبی را به عنوان عامل انگیزشی زمینه‌ساز توانمندسازی می‌داند. هر استراتژی که منجر به حق تعیین فعالیت‌های کاری (خود تصمیم‌گیری) و خودباوری (خودکارآمدی، خودکفایتی، کفایت نفس)^۲ کارکنان گردد، توانمندی آنها را در پی خواهد داشت. در رویکرد انگیزشی، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری است. (Conger & Kannungo, 1998: 479) رویکرد شناختی توانمندسازی را به طور گسترده‌تر به عنوان یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل چهار احساس درونی است: ۱) معنی‌دار بودن^۳ یعنی این که فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با معنی و ارزشمند تلقی کند. ۲) شایستگی^۴ یا خودباوری که همان اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارها است. ۳) مؤثر بودن^۵ که عبارت است از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا می‌باشد. و ۴) خودتعیینی^۶ یا حق انتخاب؛ در حالی که شایستگی یک مهارت رفتاری است، خودتعیینی یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌هاست. همچنین به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می‌گردد. (Spritzer, 1995: 409)

توانمندسازی زنان از جمله رهیافت‌هایی است که برای ارتقای قابلیت زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت‌های فرودست و فرمانبردار قرار می‌دهند، مورد پذیرش اکثر صاحب‌نظران امر توسعه قرار می‌گیرد. این فرآیند به زنان کمک می‌کند تا دسترسی بیشتری به منابع و تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و به طور کلی بر زندگی خود نظارت بیشتری داشته باشند و به استقلال و خوداتکائی برسند. آنچه به عنوان توسعه مدنظر است شامل ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است، به طور یقین جامعه‌ای که برای رسیدن به توسعه تلاش می‌کند، شرط اولیه آن تحقق عدالت اجتماعی است که این امر بدون توجه برابر، به زنان و مردان و استیفای حقوق و بهبود شرایط زنان ممکن نخواهد بود. در ادامه برخی از نظریات توانمندسازی زنان ارائه شده است.

۱) **مدل توانمندسازی سارا لانگه**^۷: لانگه ضمن تأکید بر این ایده که برابری (جنسیتی) می‌بایست موضوع قانونی هرگونه برنامه توسعه‌ای پیرامون مسائل زنان باشد، به‌بخش زیادی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه این نقد را وارد می‌سازد که اغلب آنها

¹ Empowerment

² Self Efficacy

³ Meaning

⁴ Competency

⁵ Impact

⁶ Choice

⁷ Longwe Sara H.

برابری را با توجه به تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و مانند این‌ها تعریف می‌کنند. به عقیده لانگه این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش از حد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه باز می‌دارد. بر این اساس وی مدل مفهومی پنج سطحی را ارائه می‌نماید که می‌تواند مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی باشد. پنج سطح مورد نظر عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. (لانگه، ۱۳۷۲: ۷۲-۵۶)

۲) **الگوی تلفیق توانمندسازی و تلفیق اجتماعی لین بنت**^۱: این نظریه تلاشی است در راستای تلفیق فرآیندهای اصطلاحاً از پائین به بالا (توانمندسازی) و از بالا به پائین (ادغام اجتماعی) در الگودرآزی پیرامون توسعه پایدار اجتماعی، که به‌طور خاص بر فرآیندهای به‌هم پیوسته‌ای تمرکز دارد که در قالب آن‌ها توانمندسازی و ادغام اجتماعی به‌طور توأمان به عنوان ابزارهایی جهت تغییر روابط قدرت موجود در جامعه و نیز ایجاد تغییرات لازم در سازمان‌های مقدم آن‌ها عمل می‌کنند به نحوی که نتیجه حاصل، دستیابی به برابری بیشتر در جامعه باشد. (Bennett, 2002:3)

۳) **رویکرد آزادی در انتخاب چگونه زیستن، آمارتیا سن**: به عقیده سن عملکردها نشان‌دهنده چیزهایی است که انجام آن‌ها یا دستیابی به آن‌ها برای فرد ارزشمند است. عملکردها از مقولات فراگیر و اولیه‌ای همچون تغذیه کافی و سلامت جسمی تا فعالیت‌ها و مطلوبیت‌های پیچیده‌ای همچون مشارکت اجتماعی و برخورداری از احترام را شامل می‌شود. بر این اساس توانمندی هر فرد عبارت خواهد بود از «امکان انتخاب بین ترکیب‌های مختلفی از عملکردها». (سن، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

۴) **نگرش سه وجهی به توانمندسازی، نایلا کبیر**^۲: به عقیده کبیر توانمندسازی گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی است که پیش‌تر این توانایی از آن‌ها دریغ شده است. کبیر در تعریف مفهوم توانمندی از ابعاد سه‌گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» بهره می‌گیرد. «منابع» به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت تأثیر آن اتفاق می‌افتد. «عاملیت» در واقع نمایانگر اصلی و به نوعی کانون فرآیند‌گزینش است و بالاخره «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند. (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵) به اعتقاد کبیر «بسیاری از منابع، مصادیق عاملیت و دستاوردهایی که مشخصه ادبیات توانمندسازی است، هم‌پوشانی قابل توجهی با تعدادی از شاخص‌های شناخته‌شده برنامه‌های توسعه‌ای دارد. مانند برابری در دسترسی به بهداشت، آموزش، وام و اعتبار، زمین و مالکیت، فرصت‌های معاش و اشتغال و غیره. در عین حال هر چند تکیه بر شاخص‌ها و مطلوبیت‌های فوق‌الذکر امکان سنجش را برای محققین تسهیل می‌نماید، اما تنها در صورتی می‌توان نقش آفرینی و ارتباط آن‌ها با توانمندی را مورد تأیید قرار داد که به نحوی از انحاء مشخص گردد هر یک از آن‌ها در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی معین چگونه و تا چه حد به زنان یا هر گروه هدف دیگری این امکان را می‌بخشند که دست به انتخاب‌های خاص خودشان بزنند». (همان: ۶۸-۶۹)

۵) **رویکرد توانمندسازی اقتصادی لیندا مایوکس**^۳: مایوکس سه پارادایم حاکم بر برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی به ویژه از طریق اعطای اعتبارات خرد را از یکدیگر متمایز کرده است. اولین مورد، پارادایم کاهش فقر است که در آن به اعتبارات خرد به عنوان ابزاری مداخله‌ای برای کاهش فقر در بین گروه‌هایی که در بدترین شرایط اقتصادی قرار دارند، نگریده می‌شود. در دومین مورد، با عنوان پارادایم خودکفایی پایدار مالی، زنان فاقد استطاعت مالی؛ اما برخوردار از ویژگی‌های کارآفرینانه از طریق تسهیل دسترسی‌شان به اعتبارات خرد، این امکان را می‌یابند تا کسب و کار خودشان را راه بیندازند و ضمن بازپرداخت اعتبارات اعطایی، در نهایت به توانمندی اقتصادی و خودباوری ناشی از آن دست یابند. سرانجام سومین مورد، توانمندسازی پارادایم جنسیتی است که در آن بر تغییرات بنیادین در نگرش‌های پشتیبان برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای به نحوی که ضمن آگاهی‌بخشی و سازمان‌دهی به جامعه

¹ Lynn Bennett

² Naila Kabeer

³ Mayoux

هدف، یعنی زنان فقیر، آنها را در به چالش کشیدن محرومیت تحمیل شده بر خود، به واسطه تبعیض‌های جنسیتی یاری رساند، تأکید می‌گردد. (Mayoux, 2005: 3-5)

۶) توانمندسازی زنان از نگاه فمینیسم لیبرال: فمینیست‌های لیبرال موقعیت پایین‌تر زنان را ناشی از کمتر بودن فرصت‌ها، فقدان یا اندک بودن میزان آموزش و پرورش و محدودیت‌های مربوط به محیط خانوادگی می‌دانند. آنان ادعا می‌کنند حقوق زنان با مردان برابر است بنابراین باید از حق تحصیل، استخدام، تملک دارایی و حمایت‌های قانونی برخوردار باشند. (Valerie, 1999: 36) آنها معتقدند که جامعه شایسته باید بیشترین فرصت‌ها را برای توسعه استعداد‌های فردی مهیا کند و این فرصت‌ها باید در دسترس همگان باشد. در نظریه‌های سیاسی لیبرال‌ها ارزش‌های فردی در درخواست آزادی و برابری متجلی می‌شود. (Jaggar, 1983: 37) همچنین فمینیست‌های اصلاح‌گرا بر ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان تأکید می‌کنند. آنان معتقدند که اموری مانند مراقبت روزانه از بچه‌ها و انجام کارهای خانه باید به گونه‌ای باشد که زنان نیز بتوانند همانند مردان کار کنند. آنها بر این باورند که مردان نیز باید طرز تلقی‌شان را نسبت به بچه‌داری، کار خانه و دیگر جنبه‌های وظایف سنتی زنان تغییر دهند. (Sargent, 1999: 133) آنها بر این باورند که زنان باید در زمینه تحصیل و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن (حتی در مناصب سیاسی) از همان حقوق مردان برخوردار باشند و در قبال کار برابر دستمزد برابر دریافت کنند. (Valerie, 1999: 9-10)

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و شیوه تحلیل تماتیک استفاده شده است. در روش تحلیل تماتیک که یک تحلیل تفسیری است، محقق به دنبال تحلیل داده‌های مصاحبه‌های بدون‌ساختار به منظور بررسی عمیق دیدگاه کنشگران و کشف مفاهیم ذهنی آنهاست. (Charmaz, 2002: 85) در این شیوه در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌های انجام گرفته استخراج گشته و در قالب دسته‌بندی مقولات و مفاهیم ارائه شده‌اند. پس از تکمیل مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن، مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده و کدگذاری شده‌اند. مهم‌ترین هدف کدگذاری، خرد کردن و فهم متن و پیوند اجزای به دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردنشان است. (فلیک، ۱۳۸۷: ۶۶) جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر زنان بالای ۲۰ سال شهرستان بروجرد بوده‌اند و نمونه‌های مورد مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند؛ یعنی محقق به صورت هدفمند و از پیش تعیین شده به سراغ زنانی رفته است که می‌توانستند بیشترین اطلاعات لازم را برای تحلیل پدیده توانمندسازی در اختیار پژوهشگر قرار دهند. بنابراین به دلیل استراتژی پژوهش، نمونه مورد مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شده است. همچنین سعی شده است انتخاب نمونه به گونه‌ای باشد که مجموعه‌ای از زنان مجرد، متأهل، مطلقه و همسرمرده؛ خانه‌دار، شاغل و بیکار، زنان ساکن در کلانشهرها، شهرهای کوچک و روستاها؛ تحت تکفل، سرپرست خانوار و یا تحت پوشش نهادهای حمایتی؛ جوان، میانسال و مسن در رده‌های سنی ۲۰ سال به بالا؛ بی‌سواد، زیردیپلم و یا دارای تحصیلات دانشگاهی؛ و... را پوشش دهد. فرآیند انتخاب نمونه و تحلیل داده‌ها تا زمانی ادامه یافته است که به اصطلاح به اشباع نظری رسیده‌ایم یعنی دیگر داده جدیدی از تحلیل مصاحبه‌ها حاصل نشده است. بنابراین حجم نمونه در طول تحقیق مشخص شد و در کل ۲۴ مصاحبه انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق یا بدون‌ساختار بوده است. بدین معنا که هیچ سؤال یا پاسخ از پیش تعیین شده‌ای وجود نداشت بلکه در جریان مصاحبه و گفتگو در رابطه با توانمندسازی زنان، با توجه به اظهارات پاسخ‌گویان در همان لحظه سؤالات طراحی و پرسیده می‌شد و پاسخگو در ارائه پاسخ به شیوه مورد دلخواه خود آزاد بود. همچنین به منظور دستیابی به اعتبار، از روش اعتبار عضو استفاده شده است؛ بدین معنا که نتایج نهایی حاصل از تحقیق به نمونه‌های مورد مطالعه بازگردانده شد و پس از تأیید توسط آنها چنین نتیجه گرفته شد که تحقیق از اعتبار مطلوب برخوردار است. (ایمان، ۱۳۸۸) داده‌های پیاده‌شده حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Nvivo8 تجزیه و تحلیل شده‌اند بدین صورت که در مرحله کدگذاری باز تعداد ۳۲۶ کد اولیه (مفاهیم خام)، در مرحله کدگذاری محوری تعداد ۷۴ مقوله و در

مرحله کدگذاری انتخاب تعداد ۱۲ مضمون نهایی شناسایی و استخراج گشتند که در نهایت شبکه‌ای از مضامین به صورت خروجی ارائه شده است.

در این پژوهش برای بررسی روایی یا اعتبار تحقیق، یافته‌های پژوهش به افراد مورد مطالعه ارائه و توسط آنها مطالعه و نقطه نظرات آنها اعمال شده است که این روش موسوم به روش اعتبار عضو می‌باشد. (ایمان، ۱۳۸۸: ۹۲) یکی از راه‌های نشان دادن پایایی نیز در تحقیقات کیفی، مطالعه حسابرسی فرآیند آن است. یافته‌ها زمانی قابل حسابرسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کار رفته توسط محقق در طول مصاحبه را با روشی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. بنابراین در این تحقیق محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار صاحب‌نظران این حوزه قرار داد که با حسابرسی دقیق صاحب‌نظران درستی تمام گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

بر اساس تحلیل تماتیک داده‌ها، مفهوم جدیدی تحت عنوان «توانمندسازی پایدار» ارائه شده است. واژه «پایداری»^۱ به معنای حیات، تاب‌آوری، استمرار و قابلیت تداوم در آینده است. به عنوان مثال مفهوم «توسعه پایدار»^۲، شکلی از توسعه است که نه تنها «ماندگار» و «بادوام» است بلکه توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... است. بی‌تلی با تأکید بر بعد اجتماعی توسعه پایدار معتقد است که توسعه پایدار لازم است که یک الگوی با دوام باشد و به همه ابعاد آن توجه گردد. (Beatley, 1995:386) بنابراین با الهام از تعریف مفهوم توسعه پایدار و دو مشخصه آن یعنی «بادوام بودن» و «همه‌جانبه بودن»، می‌توانیم مفهوم «توانمندسازی پایدار» زنان را اینگونه تعریف نماییم که: توانمندسازی پایدار زنان شکلی از توانمندسازی است که نه تنها مقطعی و کوتاه‌مدت نیست و در زندگی آینده زنان و فرزندان آنها و همچنین آینده جامعه و نسل‌های آتی تداوم و استمرار دارد، بلکه نوعی توانمندسازی همه‌جانبه است که به همه ابعاد توانمندی - بر اساس تحلیل داده‌ها - یعنی ابعاد جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی، به صورت یکسان و متوازن اهمیت داده و افزایش سطح همه آنها را در راستای توانمندسازی پایدار مدنظر دارد. در غیر اینصورت یعنی اهمیت و توجه به یک یا چند بعد خاص و غفلت از ابعاد دیگر و همچنین اجرای برنامه‌ها و اهداف مقطعی، تنها به نوعی توانمندسازی مقطعی منجر می‌گردد که قطعاً نمی‌توان از آن انتظار تأثیرگذاری مفید در فرآیند توسعه اجتماعی زنان و همچنین توسعه جامعه داشت.

هما (۴۹ساله، بیوه، سرپرست خانوار، بی‌سواد، شاغل و ساکن در روستا) که خود یک کارآفرین است و در عرصه صنایع دستی سنتی فعالیت دارد در این رابطه می‌گوید: «من یه کارگاه کوچیک درست کردم برای قالببافی و گلیم‌بافی. چندتا از زنهای روستا هم اونجا مشغول شدن. وام اشتغال‌زایی گرفتم و شروع کردم اما بازار فروش خوب نیست درسته که وام میدن و واسه شروع کار کمک میکن ولی به نظرم باید تو بازار هم حمایت کنن تا بتونیم محصولاتمون رو بفروشیم. وگرنه چه فایده.» نستر (۳۴ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در کلانشهر) نیز که خود مادر سه فرزند است می‌گوید: «اینکه فرصت تحصیل رو واسه خانمها فراهم کردن در اصل یه جورایی اونارو توانمند کردن ولی وقتی درگیر بچه‌داری میشیم و کلی وظیفه باید همزمان انجام بدیم هم مادر باشیم هم همسر هم دانشجو هم شاغل خوب معلومه که کم میاریم. باید توانمندسازی جوریه باشه که از همه جهت از زن‌ها حمایت بشه. تا کم نیارن وگرنه صرف اینکه بگیریم تونستن تحصیل کنن یا شاغل بشن توانمندی محسوب نمیشه.» پرستو (۳۰ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، دانشجو و ساکن در شهر) نیز می‌گوید: «به نظر من توانمندسازی فقط این نیست که یه سری شرایط واسه تحصیل و اشتغال و ازدواج زنان فراهم کنیم بلکه باید این حمایت همیشگی باشه از لحظه تولد یه دختر تا پایان عمرش از همه لحاظ پشتوانه داشته باشه و بتونه در طول زندگی احساس قدرت کنه و از پس مشکلات بریاد.»

¹ Sustain

² Sustainable Development

بر اساس تحلیل تماتیک ابعاد «توانمندسازی پایدار» عبارتند از: (۱) توانمندی جسمی، (۲) توانمندی روانی، (۳) توانمندی اقتصادی، (۴) توانمندی اجتماعی، (۵) توانمندی سیاسی، (۶) توانمندی فرهنگی و (۷) توانمندی حقوقی که مؤلفه‌های آن در جدول (۱) آمده است. در ادامه به بخش‌هایی از مصاحبه‌ها در رابطه با این ابعاد ارجاع داده شده است.

شریفه (۵۹ ساله، بیوه، سرپرست، زیردپلم، شاغل و ساکن در شهر) که خود در اداره بهزیستی کار می‌کند در رابطه با توانمندی جسمی می‌گوید: «بعضی از مادری که ما بچه‌هاشون رو اینجا نگه میداریم خیلی از نظر جسمی ضعیف زنی که ناتوان باشه چطور میتونه از بچه سالم به دنیا بیاره چجوری میتونه ازون بچه مراقبت کنه اولین چیز به نظرم واسه اینکه یه زن رو توانمند کنیم اینه که سلامت بدنیش رو تأمین کنیم زنها از نظر جسمی از مردها ضعیف‌ترن و نیاز به مراقبت بیشتری دارن الانم که با این اوضاع گرونی و بیکاری و... مجبورن خیلی از مواد غذایی لازم رو حذف کنن و بدنشون خیلی کمبود پیدا میکنه قیمت مکمل‌های آزاد هم که بالاست. باید این چیزا رایگان یا حداقل با قیمت پایین تو دسترسشون باشه». سکینه (۳۸ ساله، مطلقه، سرپرست، دپلم، شاغل و ساکن در کلانشهر) که در کارخانه بازیافت زباله کار می‌کند نیز در رابطه با توانمندی جسمی می‌گوید: «من توی یه محیط کثیف کار میکنم که حتی نفس کشیدن هم اونجا آدم رو مریض میکنه حداقل باید زنها رو بزارن یه بخش دیگه کارخونه یا دولت یه شغل‌هایی برای ما فراهم کنه که مجبور نباشیم تو محیط آلوده کار کنیم و سلامتیمون تو خطر باشه. من اگر بیمار بشم یا مشکلی پیدا کنم کی خرج بچه‌هامو میده». اشرف (۵۱ ساله، متأهل، تحت تکفل، بی‌سواد، خانه‌دار و ساکن در شهر) در رابطه با توانمندی روانی می‌گوید: «خیلی افسرده و ناراحتم بچه‌هام بزرگ شدن و رفتن پی زندگی خودشون کاش منم میتونستم ازین تنهایی و افسردگی دریام خیلی هنرهای دستی بلدم ولی فقط میشنیم و غصه و میخورم. به نظرم زنی که روح و روانش آرامش نداشته باشه نمیتونه هیچ کاری بکنه نمیتونه سرحال باشه و خوب زندگی کنه». الناز (۳۳ ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی، بیکار و ساکن در کلانشهر) در رابطه با توانمندی روانی می‌گوید: «من شاغل بودم تصادف کردم عمل‌های زیادی داشتم الان میتونم کارامو خودم انجام بدم ولی چهرهام نابود شده و به خاطرش افسردگی گرفتم و از خونه بیرون نمیرم. خواهرام میگن باید بری مشاوره و روان‌درمانی. من سواد دارم و توانایی کار کردنم دارم کارم نصب دوربین‌های مداربسته بود سرمایه هم دارم ولی مشکل من اینه که افسرده شدم و اعتماد به نفسم رو از دست دادم فکر میکنم دیگه هیچ وقت نمیتونم رو پای خودم وایسم پس این خیلی مهمه که یه زن توانمند در درجه اول هم بدنش سالم باشه هم روانش و باید حمایت بشه».

فهیمه (۳۲ ساله، متأهل، تحت تکفل، دکتر، خانه‌دار و ساکن کلانشهر) در رابطه با توانمندی اقتصادی می‌گوید: «من دکترا دارم ولی بیکارم چرا؟ چون شرایط اقتصادی برای اشتغال خانم‌ها فراهم نیست. حتی توی استخدام هیأت علمی یه نگاه مردسالارانه هست که زن‌ها رو نمیزارن زیاد تو این عرصه جولان بدن و عرض اندام کنن. چرا من با داشتن دکترا نتونم دستم تو جیب خودم باشه و استقلال مالی داشته باشم؟ کلا تو عرصه اشتغال و اقتصاد خانم‌ها جایگاه خوبی ندارن فرصت اشتغال براشون کمه و حتی اونایی که شاغل هستن خیلی کم فرصت ارتقا پیدا می‌کنن ما اگر زنهای توانمند می‌خوایم باید شرایطی رو فراهم کنیم تا از نظر مالی خود کفا بشن و استقلال مالی داشته باشن. مثلاً چرا زنهای جامعه ما با بازار بورس و سرمایه‌گذاری آشنایی ندارن چون اونم تحت سلطه مرداست».

کتیبه (۲۸ ساله، مجرد، سرپرست، دپلم، بیکار و ساکن در روستا) که به علت فوت پدر و مادرش سرپرستی خواهر و برادر کوچکتر خود را بر عهده دارد و تحت پوشش کمیته امداد هستند در رابطه با توانمندی اجتماعی می‌گوید: «دوست دارم بقیه ازم حمایت کنن دوست دارم فامیل و مردم روستا مارو تو جمع خودشون بپذیرن و پشتیبان ما باشن تا احساس بی‌کسی نکنیم باید اونها مارو بپذیرن و پشتیبان ما باشن تا احساس کم تو جامعه امنیت دارم. اگر بتونم با دیگران رابطه داشته باشم و حمایتشون رو جلب کنم اون وقته که میتونم به خوبی از برادر و خواهرم مراقبت کنم و اونها هم به من به عنوان یه زن توانمند تکیه کنن». مهتاب (۲۶ ساله، مجرد، خودسرپرست، کارشناسی، شاغل و ساکن در شهر) که به صورت مستقل و دور از خانواده زندگی می‌کند در رابطه با توانمندی اجتماعی می‌گوید: «به نظر من دختری ما باید از همون بچگی تو خانواده و دوران مدرسه یاد بگیرن که رفتار اجتماعی درست چیه از

نظر اجتماعی باید توانمند بشن این خیلی مهمه. اصلاً به واحد درسی باید تو مدرسه بزارن که نمره نداشته باشه فقط نحوه رفتار درست اجتماعی رو به دخترا آموزش بدن که فردا که بزرگ شدن تو جامعه بتونن از خودشون مراقبت کنن و رفتار درستی داشته باشن.»

فروزان (۲۸ساله، متأهل، تحت تکفل، دیپلم، خانه‌دار و ساکن شهر) در رابطه با توانمندی فرهنگی می‌گوید: «ما فرهنگمون ایراد داره مثلاً وقتی یه دختری از یه سنی رد میشه و ازدواج نکنه بهش میگن ترشیده خود من دوست داشتم درس بخونم سر کار برم ولی چون همه دختری فامیل کوچیکتر از من حتی بودن شوهر کرده بودن و همه بهم میفتن تو موندی و ترشیدی مجبور شدم با اولین خواستگار ازدواج کنم و حالا زن یه آدم بیکار هستم که زندگیم از نظر اقتصادی خیلی مشکل داره. چطور یه دختر تو همچین فرهنگی میتونه توانمند باشه؟» بتول (۳۵ساله، متأهل، تحت تکفل، بی‌سواد، خانه‌دار و ساکن در روستا) نیز درباره توانمندی فرهنگی معتقد است: «دوست داشتم درس بخونم باسواد باشم بتونم کتاب بخونم ولی شرایطش برام فراهم نبود تعدادمون زیاد بود من مجبور بودم از خواهر برادرای کوچیکتر از خودم مراقبت کنم واسه همین نتونستم برم مدرسه. کاش مدرسه اجباری بود تا پدر و مادرها مجبور میشدن بچه‌هارو بفرستن مدرسه چون آدمی که الان سواد نداشته باشه انگار هیچی نیست چه برسه به اینکه توانمند باشه.»

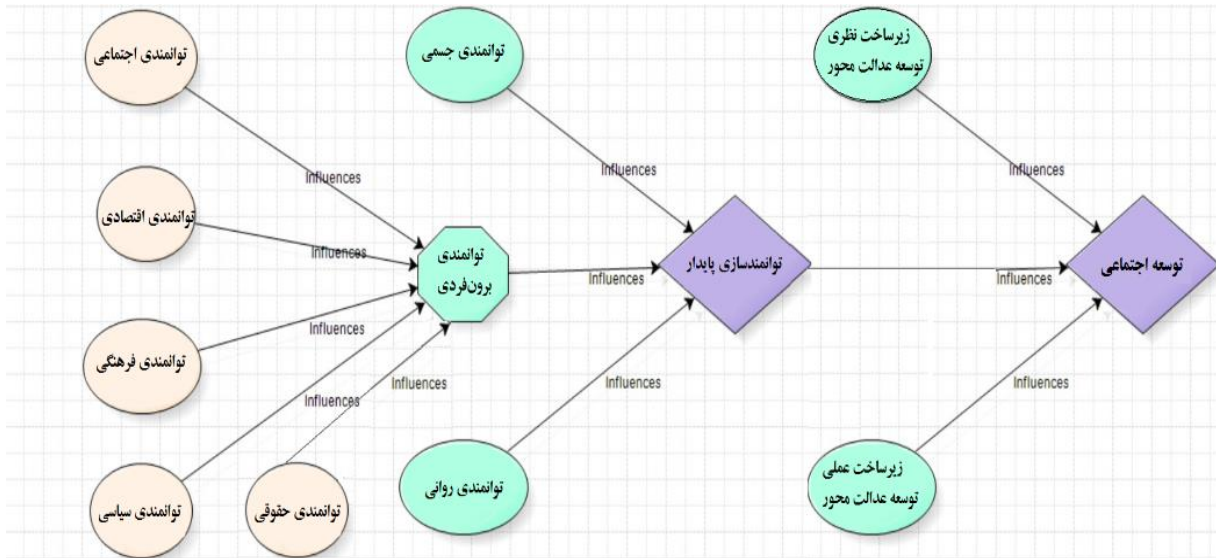
ناهید (۳۳ساله، مطلقه، خودسرپرست، زیردیپلم، خانه‌دار و ساکن در روستا) درباره توانمندی حقوقی می‌گوید: «شوهرم معتاد بود به سختی ازش طلاق گرفتم چرا؟ چون به نظرم قانون اصلاً از زنها حمایت نمیکنه چرا همیشه حق با مرداست چرا حتی در صورت طلاق که درخواستش از طرف زن باشه همیشه زن به حق و حقوقش برسه و باید دست خالی از خونه شوهر بیاد در حالی که تمام اون زندگی رو من با دستای خودم ذره ذره ساخته بودم گفتن وکیل بگیر که اونم حق و کالتش خیلی زیاد بود و من من نتونستم. به نظرم واسه اینکه یه زن توانمند باشه باید قانون ازش حمایت کنه.» رودابه (۳۶ساله، مطلقه، خودسرپرست، بی‌سواد، شاغل و ساکن شهر) که پرستار یک سالمند است در رابطه با توانمندی حقوقی می‌گوید: «من قبلاً تو یه کارخونه کار میکردم بیمه نبودم و مزد هم خیلی کم بود یه روز صاحب کارخونه خیلی راحت منو تعداد زیادی از خانم‌های همکارم رو اخراج کرد دستمونم به جایی بند نبود که شکایت کنیم. قانون باید پشتوانه زنها باشه مخصوصاً زنهایی که با مزد کم ساعتها کار میکنن و راحت اخراجشون میکنن اگر حمایت قانونی داشته باشن و بتونن حق و حقوقشون رو بگیرن اون موقعست که میتونیم بگیریم توانمندن.» الناز (۳۳ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی، بیکار و ساکن در کلانشهر) در رابطه با توانمندی حقوقی می‌گوید: «حتی اگر فرصت‌های برابر و از نظر توانمندی یه زن و یه مرد در سطح باشن اما باز مردا توانمندترن چون موانع بیشتری در مقابل زنهاست و اونچه که مردا با روابط می‌تونن بدست بیارن زنها مجبورن اونو از طریق ضوابط و قوانین سختگیرانه کسب کنن. مسیرهای قانونی که یک زن برای دریافت مجوزها باید طی کنه خیلی طولانیه و ممکنه یه زن مدت‌ها و ماه‌ها برای گرفتن یه مجوز دوندگی کنه ولی همون مجوز رو مردا به راحتی بدست میارن. باید اینجای قوانین پشتوانه فعالیت اقتصادی و... زنها بشه تا بتونن فعالیت کنن مثلاً راحت مجوز بدن یا چند سال اول کارشون از مالیات معاف باشن.»

بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل، توسعه اجتماعی فرآیندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «به زیستن» و روابط اجتماعی می‌شود که منصفانه‌تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است. (UNRISD, 2016) توسعه اجتماعی بنا بر تعریف منشور سند کپنهاگ سازمان ملل متحد (۱۹۹۵)، هسته اصلی نیازها و آمال همه مردم جهان، دولت‌ها و همه جوامع مدنی است و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، پربازده-ترین سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها آنهاست که به مردم بیشترین فرصت را در بهره‌گرفتن، از توانایی‌ها، منابع و موقعیت‌ها می‌دهند. (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹) بر همین اساس و طبق تحلیل داده‌ها، دستیابی به توسعه اجتماعی زنان، نه تنها به محوریت توانمندسازی پایدار آنان بستگی دارد بلکه باید به موازات توانمندسازی زنان، زیرساخت‌های نظری و عملی توسعه عدالت‌محور فراهم گردد که مبتنی بر رفع تبعیض جنسیتی و قائل بودن به اصل برابری جنسیتی در امر توسعه است. نرگس (۳۲ساله، متأهل، تحت

تکفل، کارشناسی ارشد، دانشجوی و ساکن در شهر) در رابطه با نقش زیرساخت‌های نظری توسعه عدالت‌محور در دستیابی به توسعه اجتماعی زنان می‌گوید: «باید سیاست‌گذاری‌ها هم بر مبنای این باشد که تفاوتی بین زن و مرد در توسعه نیست. ما حتی اگر زنانی توانمند داشته باشیم اما دیدگاه مسئولین رده بالامون این باشد که مردا از زن‌ها برترن و نقش مهم‌تری در توسعه دارن، هیچ وقت نمی‌تونیم پیشرفت کنیم». مهتاب (۲۶ساله، مجرد، خودسرپرست، کارشناسی، شاغل و ساکن در شهر) که به صورت مستقل و دور از خانواده زندگی می‌کند در رابطه با نقش زیرساخت‌های عملی توسعه عدالت‌محور در دستیابی به توسعه اجتماعی زنان می‌گوید: «فایده‌ش چیه که وقتی مثلاً من توانمند باشم ولی همه امکانات واسه پیشرفت مردها فراهم شده و به زبون دیگه زنونه نیست یعنی منظورم اینه که باید بسترها هم فراهم بشه امکانات جوری باشه که نشون بده هیچ تفاوتی بین زن و مرد قائل نیستیم و زنی که توانمند شده بدونه که حالا شرایط حضورش و مشارکتش در توسعه مملکت آماده‌ست».

جدول (۱): ابعاد توانمندسازی زنان و شاخص‌های آنها

مؤلفه‌های توانمندسازی	شاخص‌ها
توانمندی جسمی	سلامت جسمی از طریق برقراری: دسترسی به تغذیه کافی و مناسب؛ دسترسی به مکمل‌ها و نیازهای بهداشتی بانوان؛ دسترسی به پزشک متخصص زنان؛ دسترسی به داروهای بیماری‌های خاص زنان و درمان بیماری‌ها؛ دسترسی به مراقبت‌های پزشکی بویژه برای مادران باردار و شیرده؛ دسترسی به محیط‌های ورزشی ویژه بانوان؛ ایمنی و بهداشت محیط زندگی و کار(حذف آلودگی‌های مکانیکی، میکروبی، شیمیایی، بیولوژیکی، پرتویی و...).
توانمندی روانی	سلامت روانی از طریق برقراری: حمایت عاطفی؛ حمایت خودارزشمندی؛ دسترسی به جلسات مشاوره و کارگاه‌های آموزشی(خودباوری و عزت نفس، شناخت خود، پرورش انگیزه، مهارت‌های زندگی و زناشویی، مقابله با استرس و خشم)؛ دسترسی به حق تعیین فعالیت‌های کاری(خودتصمیم‌گیری، خودتعیینی، استقلال فکری و آزادی عمل)؛ احساس امنیت و آرامش؛ برخورداری از احترام؛ احساس خوداثربخشی، تقسیم کار در جهت کاهش بار روانی وظایف مادری و همسری؛ دسترسی به ازدواج سالم و تشکیل خانواده.
توانمندی اقتصادی	توانایی کنش و مشارکت اقتصادی از طریق برقراری عدالت جنسیتی در: دسترسی به منابع مالی و تسهیلات، دسترسی به بازار کار و فرصت‌های اشتغال، کارآفرینی، تولید، توزیع و فروش محصولات و به طور کلی خودکفایی اقتصادی، دسترسی به آموزش برنامه‌های پیشرفت اقتصادی و دوره‌های کارآموزی، توسعه مناطق مختلف(کلانشهر، شهر و روستا)، بهره‌مندی از ارتقای رتبه و افزایش دستمزد(حذف سقف شیشه‌ای و دسترسی به مناصب مدیریتی در فعالیت‌های اقتصادی)، تأمین امنیت مالی و فرصت سرمایه‌گذاری‌های زنان در بازارهای کلان مانند بورس.
توانمندی اجتماعی	توانایی کنش و مشارکت اجتماعی از طریق برقراری: دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی سالم، دسترسی به فناوری‌های ارتباطی نوین و رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، انسجام خانوادگی و اجتماعی، دسترسی به آگاهی اجتماعی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی، دسترسی به سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی، عدالت اجتماعی، امنیت و اعتماد اجتماعی.
توانمندی فرهنگی	توانایی کنش و مشارکت فرهنگی از طریق: حذف باورهای سنتی فرهنگی در رابطه با اشتغال و استقلال زنان، دسترسی به آموزش‌های کاربردی و مهارت‌آموزی در حوزه فرهنگ، دسترسی به آموزش و پرورش و تحصیلات دانشگاهی، دسترسی به مجموعه‌های فرهنگی مخصوص بانوان، دسترسی به رسانه‌های نوشتاری و مطبوعات، فرهنگ‌سازی توانمندی زنان، دسترسی به تولیدات فرهنگی و توانایی تولید فرهنگی.
توانمندی سیاسی	توانایی کنش و مشارکت سیاسی از طریق برقراری: آزاداندیشی و آزادی بیان، دسترسی به حوزه عمومی و عضویت در احزاب و انجمن‌ها و شرکت در کمپین‌ها، اعتراضات مدنی و مطالبات سیاسی، دسترسی به حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مناصب سیاسی حتی مناصب رده‌بالا مانند وزارت و ریاست جمهوری.
توانمندی حقوقی	توانایی کسب حقوق انسانی و برابری جنسیتی از طریق برقراری: حمایت قانونی در قانون اساسی و قوانین حقوقی و کیفری و... (برخورداری از حق مالکیت قانونی، برخورداری از حق طلاق از همسر بدسرپرست، برخورداری از قانون کار و حق و حقوق شغلی و...)



بحث و نتیجه گیری

زنان به عنوان نیمی از اعضای هر جامعه می توانند در صورت توانمندی و دستیابی به توسعه اجتماعی می توانند نقش بسزایی در راستای توسعه جامعه ایفا نمایند. بر همین اساس تحقیق حاضر با هدف کشف ابعاد توانمندسازی زنان به روش کیفی صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه آن زنان بالای ۲۰ سال شهرستان بروجرد بوده اند. برای دستیابی به نمونه های مورد مطالعه از نمونه گیری هدفمند استفاده شده است و فرآیند انتخاب نمونه و تحلیل داده ها تا زمانی ادامه یافته است که به اصطلاح به اشباع نظری رسیده ایم و در کل تعداد ۲۴ نفر مورد مطالعه قرار گرفته اند. روش و ابزار گردآوری داده ها، مصاحبه عمیق یا بدون ساختار بوده است که پس از پیاده سازی توسط نرم افزار Nvivo8 تحلیل شده اند. در نهایت داده ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده اند که نتایج تحلیل نشان داد ابعاد توانمندسازی زنان عبارتند از: (۱) توانمندی جسمی، (۲) توانمندی روانی، (۳) توانمندی اقتصادی، (۴) توانمندی اجتماعی، (۵) توانمندی سیاسی، (۶) توانمندی فرهنگی و (۷) توانمندی حقوقی.

در مقایسه با پیشینه نظری و تجربی که عموماً به شیوه پیمایشی صورت گرفته اند می توان گفت این پیشینه ها مجموعاً تأیید کننده نتایج تحقیق حاضر هستند اما وجه تمایز تحقیق حاضر ارائه مفهومی جدید تحت عنوان «توانمندسازی پایدار» است. توانمندسازی پایدار زنان شکلی از توانمندسازی است که نه تنها مقطعی و کوتاه مدت نیست و در زندگی آینده زنان و فرزندان آنها و همچنین آینده جامعه و نسل های آتی تداوم و استمرار دارد، بلکه نوعی توانمندسازی همه جانبه است که به همه ابعاد توانمندی، به صورت یکسان و متوازن اهمیت داده و افزایش سطح همه آنها را در راستای توانمندسازی پایدار مدنظر دارد. در غیر این صورت یعنی اهمیت و توجه به یک یا چند بعد خاص و غفلت از ابعاد دیگر و همچنین اجرای برنامه ها و اهداف مقطعی و کوتاه مدت، تنها به نوعی توانمندسازی مقطعی منجر می گردد که قطعاً نمی توان از آن انتظار تأثیر گذاری مفید در راستای توسعه اجتماعی زنان و توسعه جامعه داشت. می توان چنین ادعا کرد که تحقیقات پیشین عموماً بر پدیده توانمندسازی به صورت مقطعی متمرکز بوده و تنها هر کدام بخشی از مؤلفه های مؤثر بر توانمندسازی را مورد بررسی و سنجش در گروه خاصی از زنان قرار داده اند. در حالی که تحقیق حاضر با تمرکز بر پدیده توانمندسازی پایدار به دنبال کشف ابعاد آن بوده است. از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد اگر خواهان دستیابی به توسعه اجتماعی هستیم باید به موازات تمرکز بر توانمندسازی پایدار زنان، به فراهم نمودن زیرساخت های نظری و عملی توسعه عدالت محور پردازیم. به عبارت دیگر هم در رویکردها و سیاست گذاری های کلان و هم در سطح اجرا و عملیاتی سازی سیاست ها و برنامه ریزی ها، قائل به اصل برابری جنسیتی باشیم و در جهت رفع هر گونه تبعیض جنسیتی گام برداریم تا شرایط توسعه اجتماعی زنان را فراهم نماییم و به این هدف دست یابیم.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات کاربردی مربوط به فراهم نمودن شرایط زمینه‌ساز توانمندسازی پایدار هستند که پیش از این نیز به وفور در اسناد بالادستی همچون اهداف و سیاست‌های راهبردی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و نیز در مجموعه نتایج تحقیقات پیشین آمده‌اند و گویا تنها در حد اسناد و نگارش‌ها مانده و هرگز جز اندکی به عرصه عملیاتی‌سازی وارد نشده‌اند. اما آنچه در این زمینه با توجه به نتایج تحقیق و تعریف مفهوم توانمندسازی پایدار پیشنهاد می‌گردد این است که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین مرحله اجرا سعی گردد توانمندسازی در همه ابعاد به صورت متوازن و مداوم صورت گیرد تا بتوانیم زنانی توانمند و اثرگذار در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... داشته باشیم. همچنین در نگرش‌های پشتیبان همه طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به اصل برابری جنسیتی قائل باشیم تا بتوانیم حضور و کنش موفق و سودآور زنان را در همه عرصه‌ها سبب شویم. در سیاست‌گذاری‌ها سهم زنان از تسهیلات، تولید و اشتغال‌زایی و... مشخص گردد تا روابط مردان منجر به دریافت امتیازات بیشتر و ربودن گوی سبقت از زنان در فضای رقابتی نشود. به رغم اینکه زنان سهم بیشتر صندلی‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، فقط درصد کمی از آنها توانسته‌اند پست‌های مدیریتی و رده‌بالا را در جایگاه‌های مختلف کسب کنند. اکثر زنان ایرانی که عموماً تحصیلکرده نیز هستند، خانه‌دار هستند چون فرهنگ مردسالارانه از زنان همسرمداری و فرزندپروری می‌خواهد. در نگاه مردسالارانه حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی توانمندی‌هایی را به دنبال خواهد داشت و خشونت علیه زنان و قدرت مالکیت مردان نسبت به زنان را کاهش می‌دهد. بر همین اساس است که برخلاف شعارهای برابری جنسیتی، باورها نسبت به زنان، جنس دوم است و مسئولیت‌ها و پست‌های مدیریتی و سطح بالا در شرایط یکسان به مردان واگذار می‌شود. تا زمانی که ساختار فرهنگی و نگرش‌های پشتیبان سیاست‌گذاری‌ها بر اصل جنس دوم بودن زن و نابرابری جنسیتی استوار است، نمی‌توان زن را به جامعه وارد کرد تا با اعتماد به نفس مطالبه‌گر حق و حقوق خود به عنوان عضوی از جامعه باشد. بدیهی است که هر جامعه‌ای که خواستار توسعه پایدار باشد باید سرمایه انسانی را توانمند کند و سرمایه انسانی شامل مردان و زنان است و نمی‌شود مردان را بدون حضور زنان به عنوان سرمایه انسانی برشمرد. اما علی‌رغم اهمیت این موضوع شاهد هستیم که عدالت اجتماعی در بسیاری از جایگاه‌ها و مناصب در جامعه رعایت نشده و تا حدی حق زنان پایمال شده است. فرهنگ مردسالار جامعه ما که از نهاد خانواده به زنان و دختران تزریق می‌شود و از سمتی نگاه زنان در مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی قابل تأمل است. متأسفانه زنان را به سیاست‌گذاری‌های کلان در بخش‌های دولتی و غیردولتی، اداری و غیراداری راه نمی‌دهند. توانمندسازی بانوان در جامعه نیازمند حذف عوامل مانع زنان و از طرفی تقویت راهکارهای توانمندسازی بانوان است تا شرایط حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه توسعه فراهم گردد.

منابع

۱. آیت، سیدسعید؛ اعظمیان، الهه. (۱۳۹۰). «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی». روستا و توسعه. دوره چهاردهم. شماره ۳. ۱۶۴-۱۵۱.
۲. ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: حوزه و دانشگاه.
۳. برقی، حمید؛ قنبری، یوسف. (۱۳۹۳). «بررسی و نظرسنجی درباره مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی و تبیین عوامل مؤثر بر آنها: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اصفهان». روستا و توسعه. دوره هفدهم. شماره ۱. ۵۳-۳۷.
۴. برنا. (۱۳۹۹). «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش هزینه‌ها فعلاً شدنی نیست/ اعلام آمار زنان متقاضی دریافت مستمری از بهزیستی». آنلاین. بازنشانی شده در ۲۴ آبان. قابل دسترس در: <http://www.borna.news/fa/tiny/news-1087315>
۵. جغتایی، فائزه؛ موسوی، میرطاهر؛ زاهدی، محمدجواد. (۱۳۹۵). «ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه». رفاه اجتماعی. دوره شانزدهم. شماره ۶۳. ۸۸-۵۵.
۶. حسنی، فاطمه. (۱۳۹۰). «معرفی مفاهیم کلی مرتبط با توانمندسازی زنان». روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۲۴۶۲. آنلاین. بازنشانی شده در ۳۰ شهریور. قابل دسترس در: <http://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-418353>

۷. خوبی‌نژاد، محمدباقر؛ و دیگران. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان زیر پوشش کمیته امداد شهرستان بهمئی)». ششمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی. بابل: مؤسسه علمی تحقیقاتی کومه علم‌آوران دانش.
۸. سن، آمارتیا. (۱۳۸۹). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: وحید محمودی. تهران: دستان.
۹. صیده، طیبه؛ اشراقی سامانی، رؤیا؛ پورسعید، علیرضا. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر توانمندی شغلی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ایلام)». راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی. دوره دوم. شماره ۴. ۲۱-۱۱.
۱۰. فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۱). تربیت شهروندی. تهران: فاخر.
۱۱. فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی.
۱۲. قدسیان، حسین؛ ملامحمدی، مجید؛ شاه‌حسینی، زهرا. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی زنان». مهارت‌آموزی. دوره سوم. شماره ۱۱. ۳۲-۱۹.
۱۳. قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف. (۱۳۸۸). «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار». رفاه اجتماعی. سال یازدهم. شماره ۴۰. ۶۲-۲۹.
۱۴. قویدل، صالح؛ کریمی، فرشته. (۱۳۹۲). «ارزیابی عوامل اقتصادی موثر بر توانی افراد تحت پوشش بهزیستی (مورد مطالعه: استان گلستان)». علوم اقتصادی. سال هفتم. شماره ۲۳. ۲۳۳-۲۰۳.
۱۵. کبیر، نایلا. (۱۳۸۹). تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها. ترجمه: فاطمه صادقی. مقاله مندرج در کتاب توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. ترجمه: اعظم خاتم و دیگران. تهران: آگه.
۱۶. کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی‌راستایی، زهرا. (۱۳۸۲). «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)». دوره اول. شماره ۷. ۳۰-۵.
۱۷. کلدی، علیرضا؛ سلحشوری، پروانه. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان». مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال چهارم. شماره ۴. ۲۲-۷.
۱۸. کیایی، حوری؛ پارس، حمیدرضا؛ فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). «تحلیل اثر رسانه‌های نوشتاری (چاپی و الکترونیکی) بر توانمندسازی زنان شاغل». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ششم. شماره ۴. ۶۸۷-۶۶۱.
۱۹. گلزاری، اعظم؛ میردامادی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی نقش مهندسين کشاورزی در توانمندسازی گندم‌کاران در افزایش تولید گندم در استان کرمانشاه». پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی. شماره ۲. ۶۰-۴۹.
۲۰. لانگه، سارا. (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه. تهران: روشنگران.
۲۱. نجفی‌کانی، علی‌اکبر؛ وصال، زینب. (۱۳۹۴). «نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی، مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان». مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی. دوره دهم. شماره ۳۰. ۵۶-۴۷.

1. Baden, S. (2013). "Women's collective action in African agricultural markets: the limits of current development practice for rural women's empowerment". *Gender & Development*. 21(2): 295-311.
2. Beatley, T. (1995). "Planning and Sustainability: The Elements of a New (Improved) Paradigm". *Planning Literature*. 9(4): 383-395.
3. Bennett, L. (2002). *Using Empowerment and Social Inclusion for Pro-poor Growth: A Theory of Social Change*. Working Draft of Background Paper for the Social Development Strategy Paper. Washington DC: World Bank.
4. Charmaz, K. (2002). *Qualitative Interviewing and Grounded Theory Analysis*, in *Handbook of Interview Research, Context & Method*. London: Sage.
5. Conger, J.A.; Kanungo, R.N. (1988). "The empowerment process: Integrating Theory and Practice". *The Academy of Management Review*. 13(3): 471-482.
6. Drolet, J. (2010). "Women, micro credit and empowerment in Cairo Egypt". *International Social Work*. 54 (5): 629-645.
7. Elsheikh, S.; Elamin, S. (2013). "The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis". *American Academy of Business*. 19(1).
8. Farrukh, N.; Akhtar, N. (2014). "Perceptions of Education Women about the Role of Media in Women Empowerment". *European Scientific Journal*. 31: 280-291
9. Jaggar, A.M. (1983). *Feminist Politics and Human Nature*. Sussex: Roman And Allan Held.

10. Kabeer, N. (1999). "Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment". *Development and Change*. 30: 435-464.
11. McClelland, D.C. (1975). *Power: the inner experience*. New York: Halstead.
12. Mayoux, L. (2005). "Women's empowerment through sustainable microfinance: Rethinking 'Best Practice'". Online at: <http://lib.icimod.org/record/12082/files/3849.pdf>.
13. Narayana, A.; Ahmad, T. (2016). "Role of Media in Accelerating Women Empowerment". *Advanced Education and Research*. 1: 16-19.
14. Ruth Eikhof, D.; Summers, J.; Carter, S. (2013). "Women doing their own Thing: Media Representations of Female Entrepreneurship". *Entrepreneurial Behaviour and Research*. 19: 547-564.
15. Sargent, L.T. (1999). *Contemporary Political Ideologies*. Philadelphia: Fort Worth.
16. Sharaunga, S.; Mudhara, M.; Bogale, A. (2016). "Effects of 'women empowerment' on household food security in rural KwaZuluNatal province". *Development Policy*. 34(2): 223-252.
17. Spritzer, G.M. (1996). "Social structural characteristics of psychological empowerment". *Academy of Management Journal*. 39: 483-504.
18. UNIRSD (2016). *Transformations to Equity and Sus trainability: UNIRSD S strategy 2016-2020*. Available on: <http://www.unrisd.org>.
19. Valerie, B. (1999). *Feminist Debates*. London: Macmillan.